



پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش تفسیر اثری

عنوان پایان نامه

نظریه تفسیری شیخ مفید 1

استاد راهنما

جناب حجت الاسلام آقای عبدالهادی مسعودی

استاد مشاور

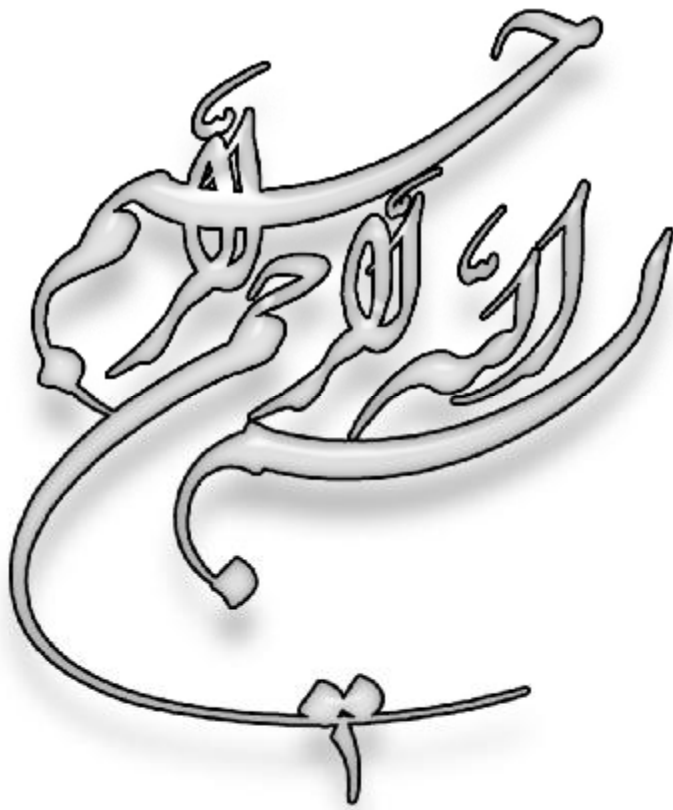
جناب حجت الاسلام آقای دکتر علی راد

دانشجو

سید محسن صفایی

ماه و سال دفاع

آبان 1391



تمام حقوق این اثر متعلق به مؤسسه علمی پژوهشی دارالحدیث است.

چکیده:

مفید صاحب مکتبی غنی و کامل در تفسیر بوده و تقریباً تمامی روش‌های مرسوم در تفسیر مورد استفاده وی قرار گرفته است. به جرأت می‌توان او را پیرو مکتب تفسیر اجتهادی و عقل‌گرایی دانست که با تمسک به آیات محکم قرآن کریم و روایات صحیح منقول از معصومین : و علوم مرسوم در آن روزگار، تفسیری کامل و همه‌جانبه از قرآن ارائه داده و با استفاده بجا و عالمانه از منابع مورد قبول خود، روشی نو را در تفسیر پایه‌گذاری نموده است. شخصیت بارز کلامی او باعث نشده است که از منبع عقل افسار گسیخته بهره برد بلکه او شرع را راهنمای عقل در روش اندیشیدن و استنتاج درست می‌داند از این رو تفسیر به‌رأی در دیدگاه او جایی نداشته و استفاده از آن موجب بی‌اعتباری قول مفسر می‌گردد. اما منابع شرعی نیز بدون نقد و بررسی سند و محتوا و سنجش با قطعیات قرآنی، روایی و حتی عقلی مورد استدلال او نیست. او را می‌توان مؤسس کامل‌ترین و بی‌نقص‌ترین و بهترین روش تفسیری در میان مسلمانان دانست. از جمله مبانی او در تفسیر می‌توان به پذیرش و حیانت قرآن، نزول تدریجی، اعجاز صرفه قرآن، عدم وقوع زیاده و نقصانی در آیات قرآن، حجیت ظاهر و باطن آن، امکان عام تفسیر برای غیر معصوم، نسخ حکمی و بقای قرائت و وجود آیات و سور مکی و مدنی در قرآن اشاره نمود. مرزبندی امروزی در تعیین قلمرو تفسیر در آرای او قابل ردیابی نبوده ولی می‌توان حدس زد تاویل و جری و تطبیق نیز در محدوده فعالیت تفسیری وی قرار داشته و مرزبندی مشخص امروزی را مانند معاصرین خود رعایت نمی‌کرده است.

کلید واژه:

نظریه تفسیری، شیخ مفید، مبانی تفسیری، منابع تفسیری، روش تفسیری، گرایش تفسیری، قلمرو تفسیر.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات	۵
گفتار اول) تبیین نظریه تفسیری	۵
الف) مفهوم شناسی نظریه تفسیری	۵
ب) لزوم اجتهاد در نظریه تفسیری	۷
ج) اکتشاف نظریه تفسیری	۷
د) مؤلفه‌های نظریه تفسیری	۸
۱- مبانی	۸
۲- منابع	۹
۳- روش	۱۰
۴- قلمرو	۱۱
۴-۱ تفاوت ترجمه با تفسیر	۱۱
۴-۲ تفاوت تفسیر با تاویل	۱۱
۴-۳ تفاوت تفسیر و جری و تطبیق	۱۲
۵- نتیجه‌گیری و تحلیل	۱۳
گفتار دوم) شخصیت شناسی	۱۳
الف) مقدمه	۱۳
ب) نسب شناسی	۱۵
ج) تاریخ تولد	۱۷
د) زادگاه شیخ مفید	۱۹
هـ) القاب شیخ	۲۰

۲۳ (و) اساتید شیخ
۲۶ (ز) شاگردان مفید
۲۸ (ح) آثار مکتوب شیخ مفید
۳۰ (ط) آثار قرآنی مفید
۳۱ (ی) جایگاه شیخ مفید
۳۳ (ق) شخصیت علمی
۳۷ (ر) توقیعات صادرشده از ناحیه مقدسه
۳۸ (ش) غروب غم‌انگیز

فصل دوم: نظریه تفسیری شیخ مفید ۴۰

گفتار اول) مبانی تفسیری شیخ مفید ۴۱

۴۱ الف) مبانی برون متنی تفسیر از دیدگاه مفید
۴۲ ۱- ماهیت وحی
۴۴ ۲- انواع وحی
۴۵ ۳- وحيانيت قرآن
۴۶ ۴- نزول قرآن
۴۷ ۵- اعجاز قرآن
۴۹ پذیرش نظریه صرفه توسط مفید
۵۲ ۶- تحریف‌ناپذیری قرآن
۵۵ ب) مبانی درون متنی قرآن از دیدگاه مفید
۵۵ ۱- امکان عام و جواز اجتهاد در تفسیر
۵۸ ۲- تفسیر در چارچوب دلالت متن
۵۹ ۱-۲ پرهیز از تفسیر به رأی
۶۱ ۲-۲ تفسیر قرآن به قرآن
۶۳ ۳- زبان قرآن و مخاطبان آن

۶۴	۴- ظاهر و باطن قرآن.....
۷۱	۵- عترت‌مداری شیخ مفید در تفسیر قرآن.....
۷۵	۶- میانی علوم قرآنی مفید 1.....
۷۵	۱-۶ ناسخ و منسوخ در دیدگاه مفید 1.....
۸۰	۲-۶ آرای شیخ مفید در باب مکی و مدنی.....
۸۴	گفتار دوم) روش تفسیری شیخ مفید.....
۸۴	الف) مفهوم شناسی روش تفسیری:.....
۸۷	ب) روش و گرایش تفسیری شیخ مفید.....
۸۸	۱- شیخ مفید و تفسیر قرآن به قرآن.....
۸۹	۱-۱ تفسیر آیات مشکل.....
۹۲	۲-۱ تصحیح عقاید غلط در معانی قرآنی و بیان وجه صحیح آن.....
۹۴	۳-۱ بیان اصطلاحات با کمک قرآن.....
۹۶	۲- شیخ مفید و روایات تفسیری.....
۹۹	۱-۲ روش‌های نقد روایات در دیدگاه مفید.....
۱۰۴	۳- شیخ مفید و روش تفسیر اجتهادی.....
۱۰۵	۱-۳ گونه‌شناسی تفسیر عقلی.....
۱۰۶	۲-۳ استفاده مفید از عقل برهانی.....
۱۱۰	۳-۳ روش مفید در تفسیر اجتهادی معتدل.....
۱۱۲	۴- شیخ مفید و روش تفسیر باطنی.....
۱۱۴	۱-۴ پرهیز از پرداختن به معانی باطنی دور از متن.....
۱۱۴	۲-۴ حجیت معنای ظاهری قرآن.....
۱۱۵	۳-۴ جواز عدول از ظاهر با رعایت شرائط.....
۱۱۷	۵- شیخ مفید و تفسیر به‌رأی.....
۱۲۰	۶- گرایش تفسیری مفید.....

۱-۶ پرهیز شیخ از گرایش‌های مذهبی در تفسیر ۱۲۰

۲-۶ گرایش کلامی مفید در تفسیر قرآن ۱۲۱

۳-۶ گرایش ادبی مفید در تفسیر قرآن ۱۲۴

۷- نتیجه ۱۲۶

گفتار سوم) منابع شیخ مفید در تفسیر ۱۲۷

الف) منابع درون متنی از دیدگاه مفید: قرآن ۱۲۸

ب) منابع بیرون متنی از دیدگاه مفید: ۱۲۹

۱- سنت ۱۲۹

۲- عقل ۱۳۱

۳- اجماع ۱۳۲

۴- ادبیات عرب ۱۳۴

۵- آرای صحابه ۱۳۵

۶- تاریخ ۱۳۸

گفتار چهارم) قلمرو تفسیر از دیدگاه مفید ۱ ۱۴۰

الف) مرزبندی ترجمه و تفسیر در دیدگاه مفید ۱۴۱

ب) تفسیر و تأویل در دیدگاه مفید ۱۴۲

نتیجه‌گیری ۱۴۷

منابع و مأخذ: ۱۵۲

مقدمه

بیان مسأله تحقیق:

نظریه تفسیری محمد بن محمد بن نعمان، شیخ مفید، موضوع این تحقیق است. نظریه تفسیری مجموعه شاخص ها و مؤلفه هایی است که دانش تفسیر را شکل می دهد و تصور آنها در تعریف تفسیر ضروری است. طرح پرسشهایی درباره هویت دانشی تفسیر، امکان، پیش فرضها، مراحل، منابع، هدف، قواعد، قلمرو، انواع، روشمندی تفسیر، شرایط مفسر و ... و یافتن پاسخی مناسب به آنها در تبیین نظریه تفسیری یک مفسر ضروری است. این پاسخها می تواند از پیش فرضهای کلامی مفسر تاثیر پذیرفته و از یک مذهب و مفسر تا مذهب و مفسری دیگر، متفاوت باشد و در نتیجه به اختلاف در نظریات تفسیری بینجامد. اما شیخ مفید نیز یکی از علما و متکلمین بنام شیعی مذهب و از خدمتگزاران صدیق کتاب وحی است. او اهتمام وافری به آیات قرآنی داشته و در بحثهای مختلف علمی خود به کرات از آن بهره برده است. هرچند کتاب تفسیری مستقلی از او در دست نیست، اما در لابلای آثار مختلف او در موضوعات متفاوت علمی، نکات ظریف تفسیری زیادی یافت می شود. در این تحقیق برآنیم که ابعاد مختلف نظریه تفسیری آن بزرگوار را با استفاده از بحث های متفرق تفسیریش که از لابلای آثار گهربار او جمع گردیده است، کشف نموده و با زبانی امروزی و قابل طرح در مجامع علمی، بیان نماییم.

ضرورت این تحقیق و اهداف آن:

بدون آشنایی با مبانی، منابع و روش یک شخص یا اندیشه ای خاص، نقد آن بسیار مذموم و نکوهیده است. علم تفسیر نیز از این قاعده مستثنا نیست. مفسر باید پیش از تفسیر نسبت به حقیقت تفسیر و لوازم آن اندیشه کند و نظام تفسیری خود را در قالب نظریه تفسیری استوار سازد، تا در تعامل با آن وحتى نقد نظریات دیگران در عرصه این علم به داوری کورکورانه ننشیند و به خطا نرود.

مشاهیر و علمای ما انظار بدیع و منحصر به فردی در علوم مختلف عقلی و نقلی از خود به یادگار گذارده اند اما بسیاری از آنها به سبب اینکه نظامی نیافته و در قالب نظریه ای مدون نشده اند امروزه در مجامع علمی بین

المللی قابل عرضه و عرض اندام نیستند . لذا وظیفه ماست که با بازخوانی این آثار و واکاوی دوباره آنها، از ابعاد مختلف و ظرایف فراوان آنها پرده برداریم .

با توجه به اهمیت انظار مرحوم شیخ مفید در میان اندیشمندان اسلام پژوه، حتی در میان مستشرقین، و عدم استخراج نظریه او در تفسیر، ضروری است که با تدوین و طرح این نظریه، زمینه طرح بیشتر و آسانتر آن در مجامع داخلی و بین المللی فراهم شده و تشنگان معرفت ، هرچه بیشتر از این چشمه جوشان بهره برند.

اما سؤالات این تحقیق عبارتند از:

سؤال اصلی:

نظریه تفسیری مرحوم شیخ مفید چیست و چه مؤلفه‌هایی را داراست؟

سؤالات فرعی:

مبانی شیخ مفید در تفسیر چه بوده و چگونه قابل طبقه بندی است؟

دیدگاه شیخ مفید در باب منابع تفسیری چه بوده است؟

روش تفسیری شیخ مفید چه بوده است؟

در دیدگاه شیخ مفید ، فهم قرآن از چه قلمرویی برخوردار است؟

جایگاه روایات تفسیری در تفسیر شیخ مفید و همچنین رابطه‌ی قرآن و سنت از دیدگاه او چه بوده است؟

و در جواب این سؤالات حدس زده می‌شود که به این نتایج برسیم:

نظریه شیخ مفید نظریه تفسیری اجتهادی با رویکرد کلامی - عقلی بوده است. (اجتهاد در تفسیر، تلاش برای فهم و تبیین معانی و مقاصد آیات بر اساس شواهد و قرائن معتبر است و طبق این تعریف، تفسیر اجتهادی تفسیری است که بر اساس چنین کوششی انجام بگیرد. و مکتب اجتهادی نظریه است که چنین اجتهادی را در تفسیر آیات قرآن جایز بلکه لازم بداند.)

شیخ مفید در تفسیر خود، مبانی عقلی، کلامی و روایی خود را وارد کرده است.

منابع معتبر در نزد شیخ مفید عبارتند از : قرآن، روایات معصومین(ع)، عقل، شواهد ادبی، ادبیات عرب و تاریخ .

روش شیخ مفید در تعامل با نصوص قرآنی، روش تفسیر قرآن به قرآن می باشد، که آن را با تکیه بر روایات و

شواهد ادبی تقویت می‌کند.

قلمرو تفسیر در نظر شیخ مفید، مابین ترجمه و تأویل است؛ یعنی آنچه بیشتر از ترجمه فایده داشته باشد، اما از ظاهر لفظ نگذرد و به مرز تأویل آیات نرسد.

ایشان فقط روایاتی را می‌پذیرند که به طرق صحیح از معصومین (ع) رسیده و با نصوص قرآنی روایی قطعی یا اصول عقاید و قواعد عقلی و حتی شواهد تاریخی مخالفتی نداشته باشد. لذا ایشان قرآن را سنگ محک روایات و مرجع آنها قرار می‌دهد.

پیشینه:

هرچند آثار تفسیری ایشان از لابلائی دیگر آثار ارزشمند آن عالم شهیر استخراج شده و در دسترس تفسیر پژوهان می‌باشد که از جمله این کتاب‌ها: *تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشیخ المفید*، نوشته سید محمد علی ایازی چاپ بوستان کتاب، *القرآن الکریم فی مدرسه الشیخ المفید* نوشته صائب عبدالحمید، *تفسیر الشیخ المفید المستخرج من مصنفاة نوشته محمد رضا انصاری و شیخ المفید و منهجه فی تفسیر آیات الصفات* نوشته عمر یوسف حمزه است^۱. اما هنوز کسی با رویکرد نظریه‌شناسانه در عرصه تفسیر، به آثار آن بزرگوار مراجعه نکرده و هیچ اثر مستقل پژوهشی در این عرصه نگاشته نشده است. این مختصر می‌کوشد تا پاسخی برای سؤال بیابد که نظریه تفسیری مرحوم شیخ مفید چه بوده و چه مؤلفه‌هایی دارد؟

در این میان، مبانی شیخ مفید در تفسیر و چگونگی طبقه‌بندی آن، دیدگاه او در باب منابع تفسیری، روش تفسیری شیخ، جایگاه روایات تفسیری در تفسیر او و همچنین رابطه‌ی قرآن و سنت از دیدگاه او بررسی خواهد شد. چون بدون آشنایی با مبانی، منابع و روش یک شخص یا اندیشه‌ای خاص، نقد آن بسیار مذموم و نکوهیده است. علم تفسیر نیز از این قاعده مستثنا نیست. مفسر باید پیش از تفسیر نسبت به حقیقت تفسیر و لوازم آن اندیشه کند و نظام تفسیری خود را در قالب نظریه تفسیری استوار سازد، تا در تعامل با آن وحتى نقد نظریات دیگران در عرصه این علم به داوری کورکورانه ننشیند و به خطا نرود.

مشاهیر و علمای ما انظار بدیع و منحصر به فردی در علوم مختلف عقلی و نقلی از خود به یادگار گذارده‌اند اما بسیاری از آنها به سبب اینکه نظامی نیافته و در قالب نظریه‌ای مدون نشده‌اند امروزه در مجامع علمی

۱. سه نگاشته آخر از مقالات چاپ شده به مناسبت کنگره هزاره شیخ مفید است.

بین المللی قابل عرضه و عرض اندام نیستند . لذا وظیفه ماست که با بازخوانی این آثار و واکاوی دوباره آنها، از ابعاد مختلف و ظرایف فراوان آنها پرده برداریم .

با توجه به اهمیت انظار مرحوم شیخ مفید در میان اندیشمندان اسلام پژوه، حتی در میان مستشرقین، و عدم استخراج نظریه او در تفسیر، ضروری است که با تدوین و طرح این نظریه، زمینه طرح بیشتر و آسانتر آن در مجامع داخلی و بین المللی فراهم شده و تشنگان معرفت ، هرچه بیشتر از این چشمه جوشان بهره برند.

بنای کلی در این تحقیق بر استقرای ناقص و یافتن برخی از شواهد یک ادعا بوده است و والا با جستجوی کامل آثار آن بزرگوار حتماً شواهد بیشتری در هر محور، یافت خواهد شد.

نتیجه علمی این تحقیق:

نتیجه علمی این پژوهش، دسته بندی نظرات تفسیری شیخ مفید جهت استفاده بهتر و ارائه به مجامع علمی روز است. با توجه به اینکه نظرات ارزشمند پیشینیان ما در عرصه های مختلف علمی، به روز و قابل فهم عمیق برای اندیشمندان غیر مسلمان نیست، امروزی و نو بیان کردن این نظرات برای حضور هرچه بیشتر انظار مکتب تشیع در عرصه های جهانی بسیار مفید خواهد بود.

فصل اول: کلیات

گفتار اول) تبیین نظریه تفسیری

الف) مفهوم شناسی نظریه تفسیری^۱

در هر پژوهش انتقادی، اگر بر اساس انصاف سامان پذیرفته باشد، به‌ناچار باید ابتدا سخن نقدشونده به خوبی درک و بیان شده و سپس به نقد آن پرداخته شود. نقد بدون فهم و ردّ بدون درک، نشانه گستاخی جاهلانه و حق‌ناشناسی نقّاد است.^۲ وجود مقدس مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) در سفارش ارزشمند خود به فرزند دلبندها می‌فرمایند:

« پس اگر دانستن چیزی... بر تو دشوار گردد، آن دشواری را از نادانی خود به حساب آر! چه تو نخست که آفریده شدی نادان بودی سپس دانا گردیدی و چه بسیار است آنچه نمی‌دانی و در حکم آن سرگردانی و بینشت در آن راه نمی‌یابد سپس آن را نیک می‌بینی و می‌دانی.^۳»

۱. این فصل، خلاصه ای از فصل اول کتاب ارزشمند استاد بزرگوارم جناب آقای راد با عنوان *مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن* با رویکرد نقادانه به *آرای ذهبی، عسّال و رومی* است که با توجه به ابتدای این مقاله بر کتاب ایشان و فعالیت جامع این بزرگوار در عرصه نظریه تفسیری، از آن کتاب برداشت شده و با اندکی دخل و تصرف مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. محمد اسفندیاری، مقاله «درک کردن و رد کردن» آیین پژوهش سال پنجم شماره اول ص ۲.

۳. نهج البلاغه ترجمه مرحوم شهیدی، نامه ۳۱ ص ۲۹۹

همینکه ناقد احتمال دهد ممکن است در فهم درست کلام مورد نقد دچار قصور گردیده باشد، راه کاوش و فهم عمیق تر را به روی او باز نموده و او را از پیش داوری نسنجیده دورمی نماید. برای فهم دقیق و عمیق کلام مورد نقد، آشنایی با مبانی نظری طرف مقابل ضروری است و در هر مکتب فکری، معمولاً بنیادهای نظری در قالب «نظریه» طراحی و ارائه می شود.^۱ این مهم را متخصصان هر مکتب با استناد به منابع علمی آن، انجام داده و ابعاد نظریه مکتب فکری خود را در عرصه های گوناگون اندیشه و عمل تبیین کرده و آن را مبنای خود و دیگران در توصیف و نقد مکتب خویش قرارمی دهند.

در تمام مکاتب فکری، این قاعده، مقبول متفکران حوزه علوم اسلامی و انسانی است. از این رو در مطالعات انتقادی، آشنایی دقیق ناقد با نظریه مقبول طرف مقابل، اهمیتی مضاعف دارد و بایستی در چارچوب نظریه، به نقد و بررسی دیدگاه مقابل بپردازد. بدون فهم کامل یک نظریه، اقدام به نقادی، جهدی بی توفیق است. تقریر معیوب و فهم معوج از یک نظریه ابطال آن را آسان می کند، اما چنین ابطالی را چه سود؟^۲ صحت و اعتبار نقد، وابستگی تام به اشراف علمی ناقد به نظریه رقیب دارد و همین نکته، مرز نقد و تخریب را روشن می سازد، چراکه نقد، سنجش یک دیدگاه با سنجه منطقی و تعیین اعتبار، صحت و دقت آن بر مبنای ملاکهای عینی است که از آن با عنوان اصل «تقدم فهم بر نقد» یاد می شود. تقریر روشن دیدگاه مخالف، قبل از پرداختن به نقد آن از عادات پسندیده ای است که از دیرباز در میان حوزه های علمیه مرسوم بوده و در لابلای کتاب های مرسوم و رایج آن به دفعات دیده شده است. مثال بارز آن تقریراتی است که در کتب مرحوم شیخ اعظم انصاری مکرراً دیده می شود و در میان طلاب علوم دینی معروف است که شیخ چنان نظر مقابل را بیان می دارد که گویی خود نیز آن را اختیار فرموده است، سپس در مقام نقد، چنان آن نظر را به بوته نقد می کشد که چیزی از آن باقی نمی گذارد.

کوتاه سخن اینکه، نقد بدون فهم، مصداق این سخن است که: «خود میکشی و خود تعزیه می کنی»^۳

همچنین پرهیز از نقد گوینده به جای نقد سخن، و دوری از مغالطه ای «نقد انگیزه به جای انگیزه» از شرایط نقد بیطرفانه تلقی و در روایات معصومین (علیهم السلام) به آن تأکید شده است که در مقام نقد به سخن

۱. دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، علی رضا شایان مهر، تهران، نشر کیان، ۱۳۷۷ش، ص ۱۴۳ و مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، علی دلاور، تهران، رشد، ۱۳۷۴ش ص ۵۲.

۲. احد فرامرز قراملکی، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۱۰.

۳. بنگرید: احمدحسین شریفی، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، تابستان ۸۶ چاپ ششم،

نگاه کنید نه به سخنگو^۱. البته معنای این سخن نفی اعتبار و اهمیت نقد انگیزه نیست بلکه تاکید بر این نکته است که از نقد انگیزه‌ها نمی‌توان نقد انگیزه‌ها را استنتاج کرد.^۲

ب) لزوم اجتهاد در نظریه تفسیری^۳

نظریه تفسیری از لحاظ شیوه اکتسابی آن به دوگونه اجتهادی و تقلیدی تقسیم می‌شود. اجتهادی بودن یعنی مفسر با انجام تحقیقاتی شخصاً به نظریه‌ای دست‌یابد، اما تقلیدی، عکس شیوه اجتهادی است. مفسرانی که تفسیر منسجم و روشمندی ندارند در واقع فاقد نظریه اجتهادی هستند یا از نظریات دیگر مفسران اقتباسی ناقص کرده‌اند. به بیان دیگر یکی از علت‌های تفاوت تفاسیر به سطح آگاهی و وضوح نظریه تفسیری نزد مفسران برمی‌گردد؛ مفسری که چارچوب نظریه تفسیریش برای وی روشن باشد آن را تبیین و ترسیم می‌کند اما فردی که موضوع برایش مبهم و پیچیده است بهتر می‌بیند که آن را یاد نکند و این به اضطراب و پریشانی چهره تفسیری وی منجر می‌شود.^۴

اصول منطق تحقیق و ضوابط اخلاق پژوهش، ایجاب می‌کند مفسران پیش از اقدام به تفسیر، نظریه تفسیری (مبانی، منابع، روش، قلمرو و داوری) خود را مشخص کنند و در سراسر تفسیر آن را رعایت نمایند.

ج) اکتشاف نظریه تفسیری^۵

منظور از اکتشاف نظریه تفسیری، استخراج نظریات یک مفسر یا مذهب تفسیری از منابع معتبر اصلی و فرعی با شیوه‌ای خاص است. این منابع، مجموعه داده‌ها و مواد علمی است که نظریه تفسیری مذهب و مفسری از درون آنها قابل بازیابی است و به دو دسته منابع اصلی (منابع مستقیم و مرجعی که داده‌های اولیه نظریه

۱. اشاره به کلام حضرت علی (علیه السلام): «انظروا الی ما قال و لاتنظروا الی من قال» غررالحکم و دررالکلم، ج ۱ فصل ۳۰ ص ۳۵۵ حدیث ۱۱.

۲. سید علی اصغر خندان، مغالطات، قم بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.

۳. راد، علی، مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن با رویکرد نقادانه به آرای ذهبی، عسّال و رومی، انتشارات سخن، چاپ اول ۱۳۹۰، ص ۲۵.

۴. صلاح عبدالفتاح الخالدی، تعریف الدارسین بمنهج المفسرین، دارالقلم، دمشق، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹-۲۰.

۵. راد، علی، پیشین، ص ۲۷.

تفسیری در آنها وجود دارد) و فرعی (منابع مأخوذ از منابع اصلی که در آرای متفکران نامدار مذهب تبلور می‌یابد) تقسیم می‌شود. این نظریه در مورد مفسر، به سه شیوه قابل اکتشاف است:

اول) مطالعه دقیق مقدمه کتاب تفسیری مفسر مورد نظر و استخراج بنیادهای نظری وی؛

دوم) بررسی دقیق تمامی تفسیر وی و استخراج مبانی و اصول تفسیری او؛

سوم) یافتن رساله یا کتاب مستقلی درباره اصول و مقدمات تفسیر از مفسر مورد نظر و یافتن مبادی تصویری و تصدیقی او در آن.

و در مورد یک مذهب، نیز مراجعه به عملکرد تفسیری اکثریت مفسران آن مذهب راهگشاست. بعد از این مراجعه، مبادی مشترک تفسیری آنان شناسایی و پس از تحلیل و نظام‌بندی در قالب نظریه تفسیری مذهب ارائه می‌گردد.

د) مؤلفه‌های نظریه تفسیری

۱- مبانی^۱

در اندیشه اسلامی، قرآن همانند یک متن عادی نیست که بتوان با هر پیش‌فرضی آن را فهمید یا خالی از هر مبنایی تفسیرش نمود. بدیهی است که برای فهم درست و عمیق قرآن، داشتن مبانی فکری و اعتقادی صحیح برای انتخاب مصادر، روش و ابزارهای تفسیر، ضروری است. همچنین پذیرش یا رد یک یا چند پیش‌فرض بنیادی، در کمال و اعتبار تفسیر مؤثر است. لذا مفسر بایستی ابتدا دیدگاه خود را نسبت به مبانی تفسیر مشخص سازد و سپس در چارچوب آنها به تلاش تفسیری بپردازد. مبانی تفسیر مجموعه باورهای اعتقادی، زبان‌شناختی، روش‌شناختی، تاریخی و علمی مفسر نسبت به متن، ماتن و عناصر اساسی دخیل در فرایند تفسیر است که با مبنا قراردادن آنها نقشی بنیادی در تفسیر این کتاب آسمانی دارد. این مبانی را می‌توان به سه شکل «برون‌متنی - درون‌متنی»، «نظری و کاربردی» و «صدوری - دلالی» تقسیم نمود.

مبانی برون‌متنی به مجموعه پیش‌فرض‌های مفسر درباره متن (قرآن)، ماتن (آیا متن از جانب خدا نازل شده یا منشأ انسانی دارد؟)، هدف، گستره، روش و منطق تفسیر قرآن اطلاق می‌شود و از جمله آنها می‌توان به

۱. راد، علی، پیشین، ص ۲۹.

وحدت و سلامت متن، جاودانگی و اصالت و حیانی^۱، امکان فهم عام و جواز تفسیر قرآن، قرآن محوری و عبرت‌مداری و... اشاره کرد. **مبانی درون‌متنی** نیز به اصولی گفته می‌شود که هنگام تفسیر مورد استفاده مفسر قرار می‌گیرد همانند مؤلف‌محوری در چارچوب دلالت متن^۲، سازگاری درونی^۳، انسجام درونی^۴ و توجه به سطوح و لایه‌های معنایی. **مبانی صدور** به آن دسته از مبانی گفته می‌شود که صدور قرآن موجود را به تمام و کمال از ناحیه ذات الاهی به اثبات می‌رساند^۵ و **مبانی دلالتی**، فهم مراد خداوند از متن قرآن را انسجام می‌بخشند. مواردی از قبیل قابل فهم بودن قرآن، زبان مفاهمه در قرآن، اختصاصی یا عمومی بودن فهم قرآن و استقلال دلالتی قرآن از اهم این مباحث است.^۶ به نظر می‌آید مبانی صدور و دلالتی خود قسمی از مبانی درون‌متنی نیز می‌توانند به‌شمار آیند.

۲- منابع^۷

منابع تفسیر به گزاره‌هایی اطلاق می‌شود که داده‌هایی متناسب با مفاد آیات را در اختیار مفسر قرار می‌دهند و معانی واژگان قرآنی و مفهوم آیات را برای وی روشن می‌کنند.^۸ عدم آشنایی دقیق مفسر با منابع معتبر تفسیر قرآن در اعتبار نتایج ادبی، معناشناختی و آموزه‌های تفسیر تردید ایجاد می‌کند و گاه ممکن است او را از مراد مؤلف دور سازد. مبانی تفسیری مفسر بر منابع تفسیر تأثیر می‌گذارد تا حدی که قلمرو منابع را دچار قبض و بسط می‌سازد، منبعی را از درجه اعتبار ساقط یا احیاناً آن را در کنار دیگر منابع قرار می‌دهد؛ نوعی تفاوت

۱. این مبانی فرع پذیرش این حقیقت است که مآتن قرآن خود خداست و نه هیچ کس دیگر، و وجهه اعجازی یافتن چنین متنی کاملاً عقلی و بدیهی است. چون خدای متعال بر هر امری قادر است و خود نیز در کتابش به این نکته اشاره می‌کند که این کتاب معجزه ای است که اعجاز آن جاودانه است. همچنین تناقض، غلط و اشتباه که اختصاصی آثار بشری است نیز در آن جای ندارد.

۲. این مبنا بدین معناست که در کشف مراد جدی متن، تنها راه مطمئن و معتبر، توجه به مآتن و دلالت زبانی متن است و ضروری است مفسر بدان اهتمام نظری لازم را داشته باشد و نهایت دقت و احتیاط را در فرایند استنباط مراد مآتن به‌عمل آورد، در غیر این صورت در ورطه تفسیر به رأی یا انحراف از مراد مآتن خواهد افتاد. (راد، پیشین، ص ۱۷۶)

۳. مباحثی همچون: تناسب معنایی قرآن، تناسب با هدف نزول...

۴. مباحثی از قبیل: عدم مخالف قرآن با سنت قطعی و الزامات عقلی و ...

۵. مانند اینکه: الفاظ قرآن کلام خداست، خطا در وحی راه نیافته، پیامبر در مراحل دریافت و ابلاغ وحی معصوم است و قرآن از هرگونه تحریف دور است. (محمدی ری شهری، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، ص ۳۳)

۶. هادوی تهرانی، مهدی، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم، چاپ ۳، خانه خرد ۱۳۸۵، ص ۳۱.

۷. راد، علی، پیشین، ص ۳۲.

۸. علی اکبر بابایی و همکاران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نشر سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۲۶۱.

در دیدگاه مفسران در این مسئله وجود دارد؛ برخی تنها منبع معتبر در تفسیر را روایات پیامبر ک و اهل بیت : یا صحابه می‌دانند؛ برخی بر تقدم منبعیت قرآن در تفسیر تاکید دارند؛ گروهی پای عقل و کشف و شهود را نیز به حوزه تفسیر کشانده‌اند.

پیشینه بحث از منابع تفسیر تقریباً به آغاز نزول قرآن برمی‌گردد، زمانی که افزون بر آگاهی مخاطب از زبان ادبی قرآن، رجوع به پیامبر ک به‌عنوان معلم و مبین قرآن، به‌عنوان دومین منبع در تفسیر مطرح شد^۱. بعدها در لابلای تفاسیر از منبعیت لغت، اسباب نزول، تاریخ، قول صحابه و روایات اهل بیت : سخن رفت. در دوره‌های بعد با ظهور کتابهای علوم قرآنی، فصلی مستقل با عنوان مأخذ التفسیر و در برخی از آثار جدید با عنوان مصادرالتفسیر به بحث از منابع تفسیر و انواع آن اختصاص یافت، به‌رغم گفتگوهای فراوان در این زمینه هنوز برخی از آنها همانند معیارهای اعتبار منابع تفسیری نیازمند مباحث ژرف‌نگرانه می‌باشد.

۳- روش^۲

روش تفسیری از ارکان عمده در نظریه تفسیری به‌شمار می‌آید. ضروری است که مفهوم و نوع صحیح روش تفسیر تبیین شود، چراکه خطای در انتخاب روش درست تفسیر در اعتبار نتایج تفسیر تاثیرگذار است. دغدغه شناخت روش صحیح تفسیر تاحدی است که برخی به دنبال شناسایی شاخصه‌های آن از منظر خود قرآن بودند^۳.

اصطلاح «روش تفسیری» در پژوهش‌های معاصر، عناوین متعددی به‌خود گرفته است؛ گاه به‌جای «روش تفسیری» از «گرایش‌ها»، «مذاهب تفسیری» یا «مکاتب تفسیری» استفاده می‌شود. در مورد کاربرد معادل‌های عربی آن نظیر منهج، اتجاه و طریقه، وحدت رویه وجود ندارد و بسیار دیده می‌شود که این اصطلاحات به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند. روش تفسیری اخص از منهج ولی متأثر از آن است. در تشبیهی، منهج تفسیری بسان نقشه ساختمانی است که به‌دقت توسط مهندسی خبره روی کاغذی طراحی شده است و روش یا طریقه، التزام عملی و دقیق معمار ساختمان به اجرای نقشه هنگام ساخت است. در حقیقت منهج همان بُعد تطبیقی نظریه است و به تناسب طبیعت نظریه‌های علمی، منهج هر یک نیز متفاوت خواهد بود. پس روش از منهج مفسر تأثیر می‌پذیرد و تابعی از آن است و خود منهج دارای قواعد و اصولی است که از آن به چارچوب کلی

۱ . راد، پیشین، ص ۳۳.

۲ . راد، پیشین، ص ۳۷.

۳ . نکونام، محمدرضا، روش تفسیر از دیدگاه قرآن کریم، ظهور شفق، قم، ۱۳۸۶ش.

نظریه تفسیری مفسر یاد می‌شود. نزد مفسران امامیه روش قرآن محوری و عترت‌مداری در تفسیر از فراگیری و اعتبار لازم برخوردار است. این روش ریشه در روایات اهل بیت : دارد.

۴- قلمرو^۱

هر مفسر ناگزیر است پیش از شروع به تفسیر، محدوده عملیات تفسیری خود را مشخص کند و تلاش تفسیری خود را در همان چارچوب از قبل تعیین‌شده انجام دهد؛ پیداست که از دیدگاه مفسر درباره محدوده تفسیر در کیفیت و کمیت تفسیر وی تأثیرگذار است. میان مفسری که تنها به بازشناسی معنای لغوی مفردات مجمل و غریب قرآن می‌پردازد با مفسری که افزون بر پژوهش‌های معناشناسانه به مباحث دیگری چون قرائات، اعراب، اسباب نزول، تناسب آیات، مقاصد سوره‌ها، پیام‌های فقهی، کلامی، تاریخی و نقد و بررسی آرای دیگر مفسران اهتمام دارد، تفاوت آشکاری وجود دارد.

همچنین حد و مرز تفسیر با ترجمه، تاویل، جری و تطبیق باید برای یک مفسر روشن باشد. گاه ممکن است مفسری آرای دیگران را به دلیل عدم مهارت در شناخت این مرزها تخطئه کند یا روایات تاویلی و تطبیقی را به جای روایات تفسیری یا بالعکس به کار ببرد.

۴-۱ تفاوت ترجمه با تفسیر

ترجمه برگردان معانی الفاظ از عربی به زبان مقصد یا سلیس نمودن الفاظ مشکل عربی است ولی تفسیر کنار زدن پرده ابهام از دلالت کلام است که با کوشش بسیار و با توجه به قرائن و نشانه‌های برون‌متنی به دست می‌آید. ترجمه مرحله‌ای ناقص‌تر و ضعیف‌تر از تفسیر است، هرچند بر تفسیر سبقت دارد. از این رو تلاش‌های محدود به شرح الفاظ مشکل قرآن از قلمرو تفسیر بیرون و عنوان ترجمه بر آن شایسته‌تر است.^۲

۴-۲ تفاوت تفسیر با تاویل

هرچند تفسیر و تاویل همزاد هم هستند و از دیرباز در میاثر قرآنی مسلمین درکنار هم یاد شده‌اند، لکن واژه تاویل، در طول زمان دچار تحول بوده و گاه مرادف تفسیر و گاه مباین آن به کار برده شده است. اما استعمال

۱. راد، پیشین، ص ۴۱.

۲. البته معنای والاتری از ترجمه نیز هست که مترتب بر تفسیر درست و عمیق قرآن بوده و مرتبه‌ای بالاتر از تفسیر به حساب می‌آید. که اگر این معنا را اراده نماییم نه‌تنها رتبتاً از تفسیر پایین‌تر نبوده بلکه در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارد.

کنونی و مرسوم آن مغایر با تفسیر بوده و تفاوت‌های متعددی میان آندو وجود دارد. تفسیر استوار بر پژوهش و آگاهی است و تاویل افزون بر آن، موهبت و ملکه‌ای است که خداوند به علمای ربانی آن را هبه می‌کند. تفسیر در سطح دلالت ظاهری آیات و معانی قریبه و تاویل در سطح معانی باطنی و بعیده آیات است، به‌گونه‌ای که ازانتساب به هرگونه اشتباه و خطایی خالی باشد.

۳-۴ تفاوت تفسیر و جری و تطبیق

جری و تطبیق ریشه در روایات معصومین : دارد و منظور از آن انطباق مفاهیم عام و مطلق قرآنی بر مصادیق است و راز جاودانگی قرآن در همین‌جا نهفته است. روشن است که چنین انطباقی نیازمند اشراف کامل بر سویه ظاهری و باطنی قرآن و شناخت دقیق شرایط و ویژگی‌های مصداق خارجی است و از عهده هرکس برنمی‌آید. می‌توان جری و تطبیق را نیز نوعی از تأویل دانست و رابطه آنها را عام و خاص مطلق قلمداد نمود. با توجه به آنچه گذشت، آغاز تفسیر نقطه پایانی ترجمه (به معنای اول یا معنای شرح واژگان مشکل) و فرجام آن نقطه شروع تاویل است و تفسیر خود دارای دو قلمرو حداقلی و حداکثری است:

ترجمه	تفسیر		تأویل
	حداقلی	حداکثری	جری و تطبیق و غیر آندو

طبق قلمرو حداقلی، مفسر تمامی گزاره‌های قابل استنباط از خود الفاظ آیات را با توجه به خصوصیات و قرائن درونی و بیرونی استخراج کرده و در این چارچوب آنچه از غیر قرآن همانند روایات تفسیری استنباط شود داخل در محدوده تفسیر نخواهد بود. این نگره بر این مبنا استوار است که اگر گزاره‌ای از ظاهر الفاظ قرآن مستفاد نبود، معلوم می‌شود که قرآن درصدد بیان آن برنیامده است، از این رو مفسر به تبیین آن نمی‌پردازد. اما بنابر قلمرو حداکثری، افزون بر گزاره‌های مستفاد از آیات، هرآنچه امکان توسعه گزاره‌های قرآنی را فراهم کند، جزء تلاش تفسیری خویش بداند و به بحث و بررسی آنها اهتمام ورزد. هرچند تفسیری خواندن این تلاش عرفی باشد.

از مطالب یادشده می‌توان نتیجه گرفت که تفسیر دو قلمرو حداقلی و حداکثری دارد. نهایت قلمرو حداقلی معناشناسی الفاظ، اعراب جمله‌ها، بیان نظم، نکات بلاغی و اشارات فنی آیات است. قلمرو حداکثری تفسیر تلاشی است که از معناشناسی ظواهر آیات گذر کرده و هدف والای خود را نشان‌دادن هدایت‌ها، آموزه‌ها و